



9 مارچ 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی - بانی تحول در زندگی زن افغان

(به مناسبت روز جهانی زن)

(قسمت دوم)

جدال بر موضوع تعدد زوجات و نکاح صغیره:

یکی از نظامنامه های که در رابطه با حقوق نسوان اهمیت داشت و مواد آن مورد انتقاد و عکس العمل شدید وکلای ملت در لویه جرگه 1303 (1924) قرار گرفت، قیود جدید بر شرایط ازدواج بود. این نظامنامه (به اصطلاح امروز "قانون") تحت عنوان "نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری" بار اول در سال 1299 (1920) تدوین و مورد انفاذ قرار گرفت که محتوای آن موجب بروز اختلاف نظرهای جدی بین عده ای از محافظه کاران مذهبی و دولت شد و در جوار دیگر نظامنامه ها به حیث یک حربه جدی بدست مخالفان دولت و عناصر بیرونی یعنی انگلیس ها قرار گرفت تا علیه تحولات امانی آنرا بکار برند. قیام مشهور به "ملای لنگ" در شهر "خوست" تحت تأثیر همین تبلیغات سوء علیه تدوین و انفاذ نظامنامه های دولت براه افتاد و جنجالهای زیاد را ایجاد کرد. مخالفان دولت در یک دست نظامنامه و در دست دیگر قرآن مجید را گرفتند و مردم را با این شعار تحریک کردند که: «بین قرآن کلام خداوند و قانون ساخته دست دولت - یکی را انتخاب کنند و از مردم تقاضا کردند تا به مقابل خواسته های دولت که قبولی پسران شان را به غلامی در اردوی دولت و دختران شان را به تأثیرات خفت آور تعلیم و تربیه غرب مطیع خواهد ساخت، مقاومت کنند.» (سنزل نوید: "واکنش های مذهبی..."، صفحه 125)

تحت همین شرایط دشوار برطبق فیصله های قبلی لویه جرگه 1301 دولت لویه جرگه 1303 را در پغمان با اشتراک بیش از 1050 وکیل دائر نمود تا بر روابط خارجی و اقدامات داخلی دولت در این جرگه تقنینی مشروعیت قانونی را کسب نماید. یکی از نظامنامه های مورد بحث همانا "نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری" بود که بار اول در (سال 1299) از طرف دولت به وسیله فرمان تقنینی نافذ شده بود. در محتوای این نظامنامه ازدواج اساساً محدود به یک زن و گرفتن زن دوم و سوم و چهارم صرف تحت شرایط خاص مجاز دانسته شده و حتی طور شایع به مامورین دولت اکیداً توصیه شده بود (اگرچه در متن نظامنامه چنین موضوع ذکر نیافته بود) تا زنان بیشتر از نصاب شرعی خود را طلاق دهند. علاوه بر این نظامنامه، مالیات جدید را بر نکاح زن دوم تعیین کرد و عمر ازدواج را برای مردان سن 18 ساله و برای زنان سن 17 مقرر نمود، برطبق این قانون همه عقود نکاح باید در محکمه ثبت شوند و تمام پیشکش های پولی و جنس را بنام شیربها، طویانه، ولور و غیره که معمولاً به پدر عروس از طرف داماد داده میشود، ممنوع کرد. همچنان مصارف گزاف عروسی را محدود ساخت و رسوم "بدی دادن" و زن را به جبر و اکراه به میراث گرفتن و عیال شخص متوفی را موروثه خود دانستن و زن بیوه و مطلقه را مانع ازدواج مجدد شدن و بعضی حالات دیگر را مردود دانست. از همه مهمتر در این نظامنامه نکاح با دختر صغیره منع و برای ملای عاقد همچو

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

نکاح جزای تعزیری تعیین گردیده بود. بنا براین در مباحثات لویه جرگه بخصوص در دو مورد بحث های بسیار جدی براه انداخته شد: یکی بحث بر شرایط تعدد زوجات و دیگر موضوع نکاح صغیره که اینک دو موضوع فوق را با شرحی از گزارشات لویه جرگه و وارد شدن برخی تعدیلات بر مواد آن تقدیم میدارم: (برای شرح مزید به متن مکمل این نظامنامه بعد از تعدیل در ضمیمه این مبحث مراجعه شود)

الف - بحث جواز تعدد زوجات، مشروط به اجرای عدالت:

از آنجائیکه در جامعه مردسالار افغانستان برطبق اصول شرعی، نکاح برای یک مرد تا چهار زن جواز دارد و این حق عنعنوی مرد با وضع قانون جدید محدود گردید، وکلای لویه جرگه 1303 در برابر آن مقاومت کردند. شاه امان الله غازی زیر فشارهای وارده ناشی از قیام "خوست" که بیک جنگ عیار بین دولت و یک عده هواداران ملای لنگ شعله ور شده بود و نیز با درنظرداشت مشاجرات بسیار جدی علمای محافظه کار دینی - مذهبی در داخل لویه جرگه برخلاف میل خود ناگزیر شد با وکلاء به تفاهم برسد و تن به تعدیل مواد نظامنامه دهد، طوریکه نکاح دوم و سوم و چهارم را فعلاً مجاز داند، آنهم در صورتیکه مرد دوفتر شاهد را مبنی براینکه قادر برحفظ عدالت بین زنان خود می باشند، حین عقد نکاح به محکمه حاضرکنند و زن حق داشته باشد ازبی عدالتی شوهر به محکمه عارض شود و اگر مرد مانع شکایت زن در محکمه شود، مرد مستوجب جزاء گردد. همچنان تفاهم بعمل آمد که ازدواجهای مکرر بدون ثبت محکمه فاقد اعتبار میباشند و متخلف به دوسال حبس و جریمه نقدی دوهزار روپیه محکوم میگردد.

در مقدمه "نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری" منتشره اول سنبله 1303 که در 22 ماده تدوین یافته و در لویه جرگه مورد تعدیل و تصویب قرار گرفته بود، آمده است: «چون بسیاری دعوی و منازعات از باعث کش [بالا رفتن] مخارج و معاملات نکاح و عروسی و ظلم و تعدی شوهران در حق زنان عاجزه در محکمه شرعیه به کثرت وقوع می یافتند، بنابراینستاد ظلم و رفع منازعه و مناقشه و مساوات زنها در حقوق که مطابق شرع شریف و موافق مذهب حنیف است، قواعد ذیل را امر فرمودیم:

قاعده [یا ماده] اول: چون حکم عمومی حضرت الهی جل و جلاله بموجب آیه کریمه چنان است "فانکحو ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع(ط) فان خفتم ان لا تعدلو فواحدة" [ترجمه]: "پس نکاح کنید آنچه پسند باشد شما را از زنان دو، سه، چهار، پس اگر ترسیدید که عدل و مساوات حقوق را نکنید یک زن بگیریید". لهذا در اینصورت هر مسلمان که خلاف امر خداوندی را بدارد، باعث خسران دارین او خواهد بود، بنابراین بقرار امر حضرت حق جل علی شان حکم میفرمائیم که ای رعایای صادق ام مطابق حکم فوق پابند باشید که اگر شما یان عدالت میتوانید، پس دو زن یا سه یا چهار زن را بگیریید، و الا عدالت نمیتوانید، پس یک زن برای شما کافی است، زیرا دو زن داشتن بدون عدالت گناه زیاد دارد.

ماده دوم: کسانیکه دو زن یا سه و یا چهار زن داشته باشند و یا جدید عقد نمایند و مطابق شرع شریف عدل و مساوات نکنند و به محکمه اطلاع برسد، بعد الااثبات تعزیراً بجزا محکوم میشوند و کسانیکه علاوه از عدم مساوات و عدل که در بالا نشان داده شده به جب و شدت اینچنین زنها عارضات را از رفتن محاکم عدلیه مانع میشوند و یا ولی این زنها عارضات را به جبر و شدت مانع میشوند، تعزیراً بجزا محکوم میشوند.» (متن مکمل نظامنامه در ضمیمه این مبحث دیده شود)

در کتاب "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303" مباحثات زیاد بین شاه امان الله غازی (از این به بعد مختصراً: اعلیحضرت) و علمای دینی شامل در لویه جرگه روی موضوع تعدد ازواج بعمل آمد که قسمتی از این مباحثات را در اینجا اقتباس می‌دارم، چنانکه اعلیحضرت قبل از آغاز بحث روی مواد نظامنامه در شرحی مبسوط خود مبنی بر لزوم این نظامنامه چنین فرمود:

اعلیحضرت: «ایزد پاک همچنانیکه در قرآن مجید بما مسلمانان اجازه نکاح را تا بچهار زن عطا و کرامت فرموده است، همچنان بلکه بیشتر از آن بر بنده گان خود تأکید عدالت و مساوات را در میان ازواج شان نموده است. و اسفا در این زمان اکثر از مسلمانان این حصه کلام رب العالمین را که (فانکحو ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و رباع) است، تماماً بنظر قبول می‌بینیم و از آن حصه مهمه آن که (و ان خفتم الا تعدلو فواحدة) کاملاً صرف نظر نموده ایم. این عاجز از وضع این نظامنامه بجز از تمویل و تنویر احکام رب قدیر و متوجه نمودن مسلمانان را بسوی این خطای فاحش شان و آنها را موفق داشتن و مکلف نمودن بدین حکم پروردگار، چیزی را در نظر نداشتم.

بلی مقصدم از وضع این نظامنامه آن است که من عاجز از زمان شهزاده گی خویش الی آلان بغیر از نفاق ملت افغانیه و قتل و قتال در خصوص زن گرفتن و دختر دادن دیگر چیزی را ندیده ام و نمی‌بینم. آرزو دارم که بیک طریقه خوب و یک روش مرغوب که خوشی جانبین را حائز باشد، مراسم ازدواج را بنمائید تا حیات و گذاره و صورت معیشت تان باتفاق خوشی و یکرنگی بگذرد. والله دیده ام که مابین دو برادر در خصوص یک زن اینطور عداوت و عناد پیدا شده که اگر در راه، آن برادر دیگر خود را ببیند، بجز آنکه سرش را قطع کند، دلش سرد نمیشود و همچنین نکاح صغارت نیز موجب مشاجرات و مناقشات دیده و شنیده شده است. چنانکه یکی بر خواسته میگوید که این دختر را پدرش در وقت صغارت برای من نامزد کرده است که در اینصورت هم در خانه داماد یک نزاع پیدا میشود و هم در خانه عروس منافرت بوجود می‌آید. در خصوص شخصیکه یکرزن داشت و خواهش نکاح ثانی را مینمود، چنین کردیم که در نکاح دوم، دو نفر شاهد بیاورد که شخص عادل و بانصاف است. چرا آن زن اول بیچاره در صورتیکه بروی زن بیاید، معلوم است که با یک عالم زحمات دچار میگردد. لکن از خوف مظالم شوهر صدای نمیکشد و آوازش بجای نمیرسد هر قدر ظلم و تعدی که [شوهر] مینمود بیچاره فلک زده تحمل میکرد و با این بعضی زنها در محکمه ها بی پرده میرفت و شوهرش که بیرون با یک وضعیت خیلی قشنگ می‌برآمد، بواسطه که زنش او را بمحکمه آورده هزار لعن و طعن می‌شنید. فقط اندر دفع این مظالم و قائم شدن عدالتی که خداوند تأکید آنرا در ازدواج فرموده چه کردیم، گفتیم یک شاهد و یک تصدیق نامه آن مردی که میل به نکاح ثانی را دارد، قبل از عروسی بدهد که زن اول و ثانی را بیک نظر دیده عدالت مینمایم، در این نکته من خیر ملت خود را می‌دانم مثل امروز زکوة را مردم بسیار کم میدهند، مالیه را بخوبی میرسانند، چیست که در حصول زکوة محصل [مقصد همان پولیس یا عسکری است که بخانه شخص مورد نظر از طرف حکومت فرستاده میشود تا شخص به ادای دین خود پردازد] مقرر نیست و بر مالیه موجود است. گویا مصدق محصل عدالت و مساوات گفته میشود، هزار افسوس بر نا خوانی و جهالت که نظامنامه را نخوانده و ندیده چنان کردند که حکومت امر کرده، تا رضای زن اول نباشد، احدی دیگر زن گرفته نمیتواند.

نی! آغا مساوات بکن، عدالت بکن چهار زن بگیر، لکن از آن چهار زن که همیشه در بین شان جنگ و جدال و قتل و قتال باشد، بخیاالم یکرزن بهتر است. حکومت شما گاهی نگفته که در گرفتن زن ثانی رضای زن اول بکار است. کدام زن است که بگرفتن یکرزن دیگر، شوهر خود را امر کند و رضا باشد حتا اگر یک زن لنگ و کور هم باشد، گاهی به این امر خوش نیست که شوهرش زن دیگر

بگیرد. اما وقتی که یک مرد عدالت و مساوات نداشته باشد، گاهی راضی نیستم که زن دیگر بگیرد و باز هر دوی شان در محکمه جات حاضر شوند. هر کس که بحث و مذاکره و تنقید برین نظامنامه داشته باشد اینکه نظام نامه برایتان سرا پا خوانده میشود، بشنوید و فقرات بحث طلب را بیرون نویس کنید که در خاتمه بران گفت و شنید نمائیم. من حاضرم که همراه تان در آن موضوع گفت و گو کنم.»

{ بعداً منشی مجلس نظامنامه مزبور را به آواز بلند خواندن آغاز کرد. بعد از خواندن نظامنامه نکاح و عروسی فقراتی که بران اعتراضات و گفت و شنید بعمل آمده مجملاً حسب ذیل است: }

وکیل سمت مشرقی: «در ماده که در آن ذکر نگرفتن بیشتر از یک زن است، در صورت عدم مساوات و اعتراض کنان گفت که در اینجا حکم بدست مرد است که خواه یکزن میکنند یا چهار زن، حکومت حق ندارد که منع کند. چرا که در شریعت موقوف نشده در صورت عدم عدالت و مساوات، زن مختار است که خودش در محکمه میرود و یا وکیل میگیرد تا همراه شوهرش مباحثه بکند و حقوق حقه آنزن را بدستش بدهد.»

اعلیحضرت: «کسی شما را از چهار زن گرفتن منع نکرده است و گاهی قانون دولت برای شما نشان نمی دهد که بغیر از یکزن بگیرفتن دیگر عیال ماذون نمی باشید. این افواه که زبان زد عوام گردیده از تبلیغات اعداء [دشمنان] و از بیخبری خود شماست که از یکطرف بقول دشمنان خود گوش داده اید و از جانب دیگر بطرف نظامات دولت الطفات نمیکنید و دقت را بکار نمی برید که آیا این حکم در کدام ماده و کدام صحیفه نظامنامه مندرج است، ابداً حکومت شما تعداد ازواج را مانع نشده است.»

البته یگانه خواهش حکومت آنست که بر طبق فرمایش ایزد پاک عدالت و مساوات حقیقی در بین طبقه ذکور و اناث مرعی و معمول باشد و این از بدیهات است اشخاصیکه بیشتر از یک زن را در حباله نکاح میگیرند، ابداً مراعات عدل و انصاف را نمیکنند و اولاده یک زن، اطفال دیگر زن شوهر خود را که در حقیقت برادر اند، با اقارب و طرفین او بنظر بغض و حسد نگریسته رفته رفته از همین تعداد ازواج چنان یک نفاق و بیگانگی در بین اقارب نزدیک بوجود میآید برضد اوامری که ایزد پاک بار بار ما را باتحاد و اتفاق دعوت کرده است، عملیات نا گوار بمیان می آید. از این رو حکومت تان نه حکم امتناع تعدد ازواج کرده و نه آنها را یکسره اجازه داده است که باوجود مظالم و بی انصافی و اعتساف [ستم کردن] پیشگی چند زن بنمایند که بدون مصداق و علامات و شواهد عدالت بیشتر از یک زن را گرفته بتوانند. البته اگر کسی تصدیق انصاف و مساوات و عدالت ناکح را بکند، گاهی حکومت او را از تعدد منکوحات مانع نمیشود.»

مولوی فضل ربی: «ایزد پاک اجازه گرفتن چهار زن را داده در صورت عدم عدالت البته بیشتر از یک زن را اجازه نفرموده است. مگر بشرط و لفظ مصدق نه در قرآن و نه در حدیث و نه در کتب فقهیه برای نکاح ثانی موجود است، بلی در صورتیکه مرد حق یکی از زنان خود را تلف کند، آنزن مظلومه حق تلف شده خود را که شریعت بدو اجازه داده است و استغاثه مظالم و حق تلفی شوهر خود را شخصاً و یا وکالتاً یکی از اقاربش در محاکم شرعیه بنماید، علاوه برآن خطاب عدالت از طرف رب العزت برای شوهران است نه بر اولی الامر. لهذا پادشاه هیچ حق مداخلت را در تعدد نکاح بتقرر مصداق و شرط عدالت نخواهد داشت و این هم بدیهی است باوجودیکه مرد در موقع نکاح خویش تصدیق عدالت خود را بنماید، چون قبل از وقت است بعد از نکاح اگر عدالت نکند از عقل بعید نیست. پس عقلاً و نقلاً وجود شرط مصدق در تعداد ازواج بی سود است.» {در اینجا یک غلغله در لویه جرگه برپا شد و متفقاً درخواست میگردد که مصدق و محصول هر دو باید لغو شود }

حضرت صاحب شوربازار: «در باره مصدق شخص خودم هیچ گفته نمی توانم که باشد یا نه، لکن آرزو مندم محصولیکه بر شوهران بنکاح دوم، سوم و چهارم در این سال مجدداً مقرر شده است، معاف گردد» .

اعلیحضرت: «ما و شما تماماً از طبقه اناتیبه که بجز از چشم و نگاه ما دیگری را نمی شناسند و اسباب مسرت و غمگینی شان خنده پیشانی و چین جبین ما مردان است، مسئولیم . مخصوصاً شخص خودم که الطاف خداوندی پادشاه شمایم، چنانچه از رفاه و آرامی شما مردان مسئولم، بیشتر تر از رعایای اناتیبه خود نیز شرعاً و عقلاً و نقلاً مسئولم. بخدا که دل و جان و وجدان من گاهی بدین امر وادار نیست که محض بواسطه خواهش نفسانی یک عده از مردان بهیمه[حیوان] صفت این همه پریشانی ها و مذلت را بر یکدسته از رعایای مظلومه بیزبان ملتّم که طبقه مستورات است، روا دار شوم . و این را هم نا گفته نمیگذارم که شما علماء و فضلاء همچنان که من در این مسئولیت داخلم، زیاده تر زیر بار این مسئولیت خواهید بود. از برای خدا کسانیکه ترتیب معیشت و نگرانی آنها را خداوند به ذمه شما گذاشته است، آن حق را رعایت کنید و عینک بهیمه صفاتی را از خود دور کرده بچشم حق بین در اصل مسئله وقت را بکار برید. زندگانی مردی که یکرز داشته باشد، نسبت به اشخاصیکه زنهای مختلفه السیرت متعددی را داشته باشد، چقدر متفاوت است.»

یک ملاء: «شریعت محض بغرض اقامه عدالت برای زنانیکه در نفقه و کسوت و غیره لوازماتش از طرف شوهر نقص و فتوری واقع شود، و اجازه داده است که بحکومت استغاثه کند، اگر بجای مصدق در نظامنامه چنانچه تشریح شود زنان مظلوم که حقوق شانرا مردان تلف کنند، حق دارند بهر ذریعه که میتوانند این مسئله را بمحکمه مرافعه کنند و حکومت راست که علاوه بر توصیه عدالت و مساوات، آنمرد ظالم را مجازات کند.» (برگرفته از متن باز نشر "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303" - که بوسیله اینجانب در پورتال افغان جرمن آنلاین به سلسله به نشر رسیده است: قسمت سیزدهم - مورخ 25 اگست 2016)

بر طبق تفاهم فوق در پایان لویه جرگه در فقره 16 تحت عنوان "مجازات شخصی که بر ازواج خود عدالت نکند" به حیث مصوبه متن ذیل به پیشنهاد لویه جرگه از طرف اعلیحضرت تائید گردید:

لویه جرگه: «اعلیحضرت! با اینکه سابق برین نیز تعداد ازواج ممنوع نبود و اشخاص صاحب غرض میتوانستند که بشرط مصدق چهار زن را در حباله نکاح خود می آوردند و محصولی را بحکومت می پرداختند. چون به تصدیق مصدق و محصول هم عدالت حقیقی بوجود نمی آید، ما علمای لویه جرگه چنان مناسب می انگاریم که محصول و مصدق دور شود و بر مردیکه بعدالت و مساوات در بین ازواج خود رفتار نکند، مجازات لازمه مقرر شود و هم بر شخصیکه ازواج عارضات خود را با استغاثه نمیگذارد و این مسئله بحکومت بنوع من الانواع ظاهره شود، تعزیر شدید مقرر دارند. همانا که مطلب اصلی همایونی که تالی احکام ربانی و شرع محمدی (ص) است، باصول خوب و از طریق مرغوب بعمل می آید.»

اعلیحضرت: «خوب است! من این نظریه شما را هم پذیرفتم و نکاح ثانی و ثالث و رابع را الان کماکان مانع نمیشوم. ازین امر و اعطای اختیار باز پرس دوامیکه بحکومت اسلامیه در بابت غور رسی نسوان مظلومه شریعت داده اید که دایماً مترقب احوال نسوان باشد، کمال امتنان و تشکر را ظاهره کنان مصدق و محصول را الغاء نمودم.» (مأخذ فوق "رویداد لویه جرگه..."، قسمت بیست و دوم، افغان جرمن آنلاین، مورخ 4 سپتمبر 2016) (ادامه دارد)